

## راجع بماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی

آیا ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی را میتوان در باره مجرمین صغار نیز رعایت نمود؟

قبلاً لازم است توضیح داده شود که مجرمین صغار از نظر قانون مجازات عمومی ایران بسه دسته تقسیم شده‌اند.

دسته اول مجرمینی هستند که سن آنها از دوازده سال تمام کمتر میباشد ایندسته از بزهکاران صغار از یک عدم مسئولیت مطلق استفاده مینمایند (ماده ۳۴).

دسته دوم اطفالی هستند که سن آنها بین ۱۲ سال تمام و کمتر از ۱۵ سال تمام است و این دسته نیز از یک عدم مسئولیت نسبی بهره مند میشوند باین معنی مجرمیت و مجازات آنها منوط است باینکه تمیز آنها در محکمه ثابت شود و مجازات آنها اعم از اینکه مرتکب جنحه بشوند یا جنایت فقط شلاق است (موضوع ماده ۳۵).

آخرین دسته از مجرمین صغار آنهایی هستند که ۱۵ سال تمام ولی ۱۸ سال کمتر سن دارند و برای ایندسته است که مقنن مجازات حبس مقرر داشته و آنچه که مربوط بمورد بحث ما میباشد همین دسته از گناهکاران صغیر میباشد چه از مجرمین صغار فقط ایندسته هستند که مجازات حبس درباره آنها وضع گردیده است و باز اگر بتوان ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی را رعایت کرد درباره آنها باید رعایت کرد و بس. پس از این مقدمه بشریح اصل مطلب میپردازیم:

اول باید دید که ماده ۴۵ مکرر چه میگوید تا بعد توضیح لازم داده شود.

ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی.

« در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم شود هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند میتواند مجازات را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را بکمتر از حداقل تنزل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یکدرجه و در سایر موارد فقط معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد. »

با امعان نظر در مفاد ماده مذکور چنین بنظر میرسد که مقنن برای اعمال ماده مذکور سه مورد را پیش بینی نموده است:

## قانون مجازات عمومی

اول تکرار جرم. دوم تعدد. سوم در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم شود.

قسمت اول و دوم مورد نظر ما نیست زیرا برابر ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی احکام تکرار جرم نسبت باطفال و اشخاص کمتر از ۱۸ سال جاری نمیشود در موضوع تعدد نیز گرچه ماده صریحی راجع باطفال نداریم ولی از مفاد یک ققره رأی که از هیئت عمومی دیوان عالی کشور در باره تعدد جرم اطفال در تاریخ ۱۳۲۸ صادر گردیده و عیناً چنین است :

**در باره اطفال کمتر از ۱۸ سال حکم تعدد جاری نمیشود .** باتوجه باینکه در تاریخ تصویب قانون مجازات عمومی اثرات تعدد جرم که فعلاً مورد رعایت میباشد وجود نداشته و با التفات بماده ۳۸ که اجرای احکام تکرار جرم را در مورد اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام دارند ممنوع نموده و در نظر داشتن این نکته که لزوم تشبیه و تمبه در تکرار جرم منظور اصلی قانونگذار بوده بدین کیفیت در مورد این قبیل اشخاص اجرای آنرا ممنوع نموده بطریق اولی در مورد تعدد نظر قانونگذار بر تشدید مجازات این طبقه نمیشد و بالجمله رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد مخالف فلسفه مراتب فوق الاشعار میباشد (هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۲۰۰۱ مورخه - ۲۸/۱۲/۲۵).

بطور صریح و روشن مستفاد میگردد که احکام تعدد جرم نیز درباره اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام نبایستی رعایت بشود .

میماند قسمت سوم و آنچه که مورد بحث ما میباشد یعنی در مواردی که مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم گردد مضافاً باینکه کلمه مجرم در ماده ۴ مکرر بطور مطلق قید گردیده و فرق نمیکند مجرم صغیر باشد یا کبیر . و حال باید دید که آیا ماده مکرر را میتوان درباره مجرمین صغاری که بحد اکثر مجازات ( مقرر شده در ماده ۳۶ یعنی پنجسال حبس در دارالتأدیب ) محکوم میشوند رعایت نمود یا نه .

بعضی ها معتقدند که اصولاً درباره صغار موردی پیش نیاید که احتیاج بر رعایت ماده ۴ مکرر بشود زیرا اگر موجبات تخفیف یا تشدید درباره مجرم صغیر موجود باشد دست محکمه باز است و میتواند مدت مجازات را بسته باهمیت موضوع و دلایل اقامه شده و وضع کلی متهم از یازده روز تا پنجسال حبس در دارالتأدیب تعیین نماید .

البته احتیاج بتوضیح نیست که گرچه در ماده ۳۶ حداقل مجازات تعیین نگشته ولی بموجب رویه های زیادی که از دیوان عالی کشور صادر گردیده حبس در دارالتأدیب در ردیف حبسهای تأدیبی نیز بموجب ماده ۱۰ یازده روز میباشد. عده دیگر نیز بدون اینکه دلیلی ارائه دهند میگویند اساساً درباره صغار ماده ۴ مکرر رعایت نمیشود .

ولی بعقیده نگارنده گاهی موردی پیش میآید که تا گزیر میثوبیم ماده ۴ مکرر را درباره مجرمین صغار نیز رعایت کنیم و برای خوب روشن شدن مطلب بذکر مثالی میپردازیم :

خوانندگان محترم فرض بفرمائید طفل ۱۶ ساله‌ای بایک بچه چهارساله مرتکب عمل لواط میگردد و در حین ارتکاب نیز دستمالی از جیب خود بیرون آورده و بدهان طفل میگذارد دراین فرض ما یکی از علل مشدده ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی (شق ۷ آن) یعنی عنف وجود دارد (باز لازم است توضیح داده شود ۶ قسمت از علل مشدده که در ماده ۲۰۷ مقرر گردیده شامل لواط نمیگردد بلکه شق ۷ آن مربوط بلواط است زیرا باتوجه بشق ۷ ماده مزبور که عیناً چنین است «در مورد لواط هرگاه بعنف یا تهدید باشد» استنباط میگردد که فقط شق ۷ علل مشدده لواط میباشد و الا لازم نبود که مقنن جمله (در مورد لواط) را در شق ۷ تصریح نماید بلکه بیان میداشت هفتم هرگاه بعنف یا تهدید باشد در اینصورت نیز قید چنین مطلبی زائد بنظر میرسد زیرا عنف و تهدید در خود ماده مذکور است و بعبارت دیگر ماده ۲۰۷ مربوط بموارد عنف است و رویه‌ای نیز در تأیید مراتب فوق ازدیوان عالی کشور صادر گردیده که عیناً جهت روشن شدن ذهن خوانندگان گرامی درج میشود.

**«در مورد لواط فقط وجود بند ۷ از موجبات تشدید مجازات است و شش بند دیگر مخصوص هتک ناموس میباشد بنابراین در بزه لواط کمتر بودن سن مجنی علیه از ۱۸ سال موجب تشدید کیفر متهم نیست» .**


و روی این اصل است که شق ۲ ماده ۲۰۸ را که در فرض ما مصداق پیدا میکند یعنی مجنی علیه چهارساله بوده و کمتر از ۱۸ سال دارد مورد نظر ما نمیشد. باری گفته شد که یکی از علل مشدده ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی یعنی بند ۷ آن در مثال ما موجود است (گذاردن دستمال بدهان طفل مجنی علیه) که عنف محسوب است در اینصورت مطابق قسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ ما ناچار هستیم حداکثر مجازات را در باره مجرم ۱۶ ساله رعایت کنیم از طرف دیگر حداکثر مجازات جنائی مجرم کمتر از ۱۸ سال تمام پنجمسال حبس در دارالتأدیب میباشد (ماده ۳۶). بنابراین چون علت مشدده پیش بینی شده در ماده ۲۰۷ موجود میباشد بایستی مجرم بعد اکثر مجازات محکوم گردد.

مثال دیگر. فرض کنیم شخصی که ۱۷ سال بیشتر ندارد و در منزل کسی مستخدم میباشد با دختر صاحب منزل که ۱۱ سال دارد مرتکب عمل هتک ناموس با عنف گردد در اینصورت نیز دو علت مشدده پیش بینی شده در بندهای ۱ و ۲ قسمت الف ماده ۲۰۷ وجود دارد و باز دادرس مکلف است حداکثر مجازات را در باره چنین متهمی تعیین نماید. حال موجبات تخفیف نیز فراهم است و نظر محکمه اینست که در مجازات متهم تخفیف قائل بشود در اینصورت چکار میتوان کرد جز اینکه دادرس ناچار است ماده ۴۵ مکرر را رعایت کند؟

بعبارت دیگر دادگاه میخواهد مجازات متهم را از حداکثر مجازات کمتر تعیین نماید این امر نیز ممکن نیست جز اینکه ماده ۴۵ مکرر اعمال بشود تا متهم بکمتر از پنجمسال محکوم گردد و الا دادگاه باید مجرم را بعد اکثر مجازات یعنی پنجمسال حبس در دارالتأدیب محکوم نماید.

### قانون مجازات عمومی

پس ملاحظه میشود بر خلاف نظر عده ای مواردی نیز ممکن است پیش بیاید که در باره مجرمین صغار نیز بتوان ماده ۴ مکرر قانون مجازات عمومی را رعایت کرد و فقط در نتیجه اعمال این ماده است که در موارد اجتماع کیفیات مشدده با کیفیات مخففه درباره طفل مجرم مجازات چنین متهمی را میتوان بین یازده روز تا پنجاه سال معین نمود. ممکن است ایراد بشود که از این بحث چه نتیجه‌ای گرفته میشود از ابتدا نیز دادگاه میتواند مجازات چنین مجرمی را بین یازده روز تا پنجاه سال حبس مقرر بدارد؟ پاسخ این ایراد نیز خیلی واضح و روشن است زیرا دادگاه در مواقعی که کیفیات مشدده بتنهائی وجود دارد و یا در مواردی که دادرس مکلف است بحکم قانون مجازات اشد درباره متهم مقرر بدارد و در این فرض ما مجرم را بحد اکثر مجازات (یعنی پنجاه سال) محکوم نماید اجازه ندارد که مجازات او را از حد اکثر پائین بیاورد و تنها در صورت اعمال ماده ۴ مکرر است که از حد اکثر میتوان صرف نظر نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی